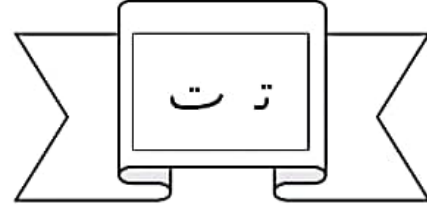
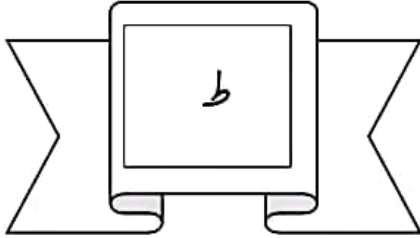




برای هر نشانه چند کلمه بنویس.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



روان خوانی :

عمه ی طلا، خیاط است. او فاطمه نام دارد. او در کارگاه خیاطی خود سه تا چرخ خیاطی دارد. اسم یکی از همکارانش طاهره است. طاهره خانم طول پارچه ها را اندازه گیری می کند و با صابون خیاطی روی پارچه علامت می زند.

عاطفه دوست طلا ، دیروز برای دوختن لباس به کارگاه فاطمه خانم آمده بود. او پارچه ای صورتی رنگ که مادر بزرگش در تولد نه سالگی برایش کادو آورده بود و آن را خیلی دوست داشت را به فاطمه خانم نشان داد تا پیراهنی زیبا برایش بدوزد.

طاهره خانم مدل های مختلف را به عاطفه نشان داد و او یک پیراهن چین دار که آستین های پفی داشت را انتخاب کرد. او اندازه ی عاطفه را گرفت و به او گفت: چهار روز دیگر برای گرفتن لباس بیاید.

عاطفه به خانه برگشت و به طوطی زیبایی که در قفس داشت و اسم او را کاکل طلا گذاشته بود دانه و آب داد. او بسیار خوش حال بود و ذوق داشت که فاطمه خانم پیراهنش را چهار روز بعد آماده می کند.